

مقاله پژوهشی

سازوکار ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی

با تأکید بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی

حمیده واعظی^۱؛ عباس علوی شاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

چکیده

در آموزش عالی ایران «نظام مدیریت دانشگاهی» ساختار بیش از اندازه هرمی و مرکز به خود گرفته و فضای مداخله‌ی حداقلی را برای ذی‌نفعان بالاخص دانشجویان به وجود آورده که این موضوع برخی حوزه‌های عملکردی دانشگاه‌ها را با چالش رو به رو ساخته است. تحقیقات نشان می‌دهد عدم توسعه‌ی مناسب فرهنگ مشارکتی در دانشگاه‌ها یکی از علل عدم‌ی مطرح شده در این زمینه می‌باشد. هدف این پژوهش طراحی سازوکار ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی به مطالعه می‌باشد. در این تحقیق ابتدا با بهره‌گیری از روش کیفی مؤلفه‌های مؤثر فرهنگی بر مشارکت دانشجویان شناسایی و اولویت‌بندی شد، پس از آن با به کارگیری روش کمی و با استفاده از ابزار پرسشنامه و نمونه‌ی آماری ۳۸۱ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، به عنوان مطالعه‌ی موردی تحقیق داده‌های آماری جمع‌آوری شد و با کمک نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی وضعیت مطلوبی ندارد و شکل‌گیری فرآیندهای غیر تعاملی، عدم تمايل به کار گروهی، تمرکزگرایی دانشگاه‌ها، نبود ساختارهای مناسب مشارکتی در کنار ضعف مؤلفه‌های فرهنگی از موانع مهم آن به شمار می‌آیند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ۴۲ مؤلفه‌ی فرهنگی

^۱ دکترای مدیریت آموزش عالی، رشته‌ی مدیریت آموزش عالی، دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسؤول). Ha.vaezi88@gmail.com

^۲ دکترای مدیریت، رشته‌ی مدیریت آموزش عالی، دانشکده‌ی علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Alavishad@gmail.com

و اجتماعی در ۴ بعد نهادی (۱۲ مؤلفه)، بعد نگرشی (۱۳ مؤلفه)، بعد رفتاری (۸ مؤلفه) و بعد ارزشی^۹ (۹ مؤلفه) بر ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران مؤثر می‌باشد، تقویت این مؤلفه‌ها در چارچوب سازو کار پیشنهادی این تحقیق می‌تواند به ارتقای نظام مدیریت دانشگاهی در قالب یک «نظام شورایی» منجر شود.

واژه‌های کلیدی: مشارکت؛ نظام مدیریت دانشگاهی؛ حوزه‌های عملکردی دانشگاه؛ مؤلفه‌های فرهنگی.

مقدمه و بیان مسأله

مشارکت دانشجویان به عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفعان نهاد دانشگاه از سه منظر یادگیرندگان، جامعه‌ی دانشگاهی و شهروند^۱ قابل بررسی است (الکساندر و مانولچیو،^۲ ۲۰۲۰: ۱۱۴۸). مطالعات نشان می‌دهد مشارکت به عنوان شهروند، به معنای حضور جدی و شرکت آگاهانه، ارادی، مؤثر، فعال و سازمان‌یافته‌ی دانشجویان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اداره امور دانشگاه می‌باشد که نتایج بسیاری را در پی خواهد داشت، این موضوع برای دانشجویان افزایش عزت نفس، تقویت تعاملات اجتماعی، کسب تجربه و مهارت، یادگیری از همتایان^۳ و برای دانشگاه افزایش کیفیت و ضمانت اجرایی تصمیمات، کاهش مخاطرات و مقاومت در برابر تصمیم‌گیری و برای جامعه ارتقای شاخص‌های مردم سالاری می‌باشد (کولین،^۴ ۲۰۱۹: ۵).

«نظام مدیریت دانشگاهی» یکی از ساختارهای مهم سازمان‌دهنده، هماهنگ‌کننده و ناظر فرآیندهای حوزه‌های عملکردی دانشگاه است که به عنوان بازوی اجرایی «حکمرانی دانشگاهی» با بهره‌گیری از منابع، هدایت فعالیت‌ها، تعاملات و تصمیمات در دانشگاه، زمینه‌ی اجرای قوانین و مقررات، سیاست‌ها و راهبردهای کلی نظام آموزش عالی را فراهم می‌آورد و زمینه‌ای مناسب برای نقش-آفرینی مشارکتی دانشجویان به صورت یک شهروند در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. در این میان هر چند یک درک عمومی و نظری در خصوص اینکه دانشجویان به عنوان بخشی از موجودیت دانشگاه باید بیشتر در امور مدیریت دانشگاه مشارکت داده شوند، وجود دارد و تلاش-های بسیاری در این خصوص صورت گرفته و در حال انجام است، ولی هنوز میزان مشارکت

¹ learners, members of the academic community and citizen

² Alexander and Manolchev

³ Peer learning

⁴ Colin

دانشجویان به خصوص در «نظام مدیریت دانشگاهی» در جایگاه واقعی خود قرار نگرفته است (آهنچیان، ۱۳۹۲: ۱۴).

در آموزش عالی ایران «نظام مدیریت دانشگاهی» ساختار بیش از اندازه هرمی و متمرکز به خود گرفته و فضای مداخله‌ی حداقلی را برای ذی‌نفعان بالاخص دانشجویان به وجود آورده که این موضوع برخی حوزه‌های عملکردی دانشگاهها را با کاهش کیفیت در تصمیم‌سازی، چالش در اجرای تصمیمات و ناکامی در پایش و نظارت بر نتایج و پیامدهای تصمیمات به خصوص حوزه‌های مرتبط با دانشجویان روبه‌رو ساخته است. این در حالی است که اگر دانشجویان به عنوان بخشی از کنش‌گران نظام علمی و تحقیقاتی کشور، به هر دلیلی احساس خوداژربخشی^۱ و نقش-آفرینی در نظام آموزش عالی را نداشته باشند، بخش عمده‌ای از فرآیند آموزش، تولید و مبادله علم در کشور مخدوش خواهد شد که اگر برای آن چاره‌اندیشی نشود، در آینده‌ای نزدیک دانشگاهها را از درون تھی، دانشجویان را بی‌انگیزه و جامعه را به رختی فراگیر چار خواهد نمود. از طرفی دانشگاهها، دریافته‌اند که نمی‌تواند با به کارگیری ساختارها، رویکردها و راهبردهای سنتی اداره‌ی امور دانشگاه، پاسخ‌گوی نیاز و انتظارات امروزی و بهنگام ذی‌نفعان خود باشند، لذا به دنبال تجدید نظر در رویه‌ها و اصلاح سیاست‌های پیشین و نظام مدیریت خود به خصوص در آن بخش که از سوی نظام آموزش عالی کشور به آن‌ها تفویض شده، هستند. از این رو سازماندهی، هماهنگی و انسجام فعالیت‌های دانشجویی در قالب یک ساختار همسو و اثربخش مشارکتی مبتنی بر مؤلفه‌های کلیدی آزموده شده، در کشور ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، هدف این تحقیق طراحی سازوکاری برای ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی بوده و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات بوده است که مؤلفه‌های فرهنگی کلیدی ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی کدامند؟ وضعیت موجود مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی شده چگونه است؟ مهم‌ترین پیشانها و تسهیل‌کننده‌های فرهنگی ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران کدامند؟ مناسب‌ترین سازوکار برای ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران مبتنی بر توسعه‌ی فرهنگی چگونه است؟

^۱ Self-efficacy

پیشینه‌ی پژوهش

«اکساندر و مانولچیو»^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ی دانشگاه‌های آینده، مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی را یکی از ویژگی‌های ممتاز دانشگاه‌های نسل آینده برشمرده و آن را راهکاری مناسب برای اثربخشی، کیفیت و مشروعتی تصمیمات برای دانشگاه و پرورش شهرورندان مشارکت‌جو و توسعه‌ی مردم سالاری در جامعه و رای از جنسیت آن‌ها دانسته است (اکساندر و مانولچیو، ۲۰۲۰: ۱۱۴۸). «هریسون»^۲ (۲۰۲۰) در رویکرد جدید توسعه، اساساً توسعه‌ی مناسب را توسعه‌ای ماهیتاً فرهنگی می‌داند و تمرکز بیش از حد دانشگاه‌ها بر امور آموزشی و پژوهشی و فقدان سازوکارهای مشخص مشارکتی را از علل کندی توسعه‌ی مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی در سال‌های اخیر دانسته است (هریسون، ۲۰۲۰: ۲۰۲۰). «تمرات»^۳ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی ضرورت‌های مشارکت دانشجویان در حاکمیت دانشگاه به این نتیجه رسیده که مدیران دانشگاه نسبت به شکلی از فعالیت‌های دانشجویی که تحت مدیریت آن‌ها قرار نمی‌گیرند محظوظ هستند. «ژیکینگ و ریوژانگ»^۴ (۲۰۱۹) وجود قوانین و مقررات تشويقی در حمایت از مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی را عاملی ضروری برای دانشگاه‌های امروزی دانسته است. «کیوبا»^۵ (۲۰۱۸) عقیده دارد مؤثر بر مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی متأثر از بافت فرهنگی، ظرفیت تشكیل‌های دانشجویی، پویایی فضای دانشگاه، سابقه‌ی فعالیت‌های موفق مشارکتی و نگرش و ذهنیت دانشجویان نسبت به نتایج حاصل از مشارکت می‌باشد (تمرات، ۲۰۱۹: ۲۹؛ ژیکینگ و ریوژانگ، ۲۰۱۹: ۲۰۱۸ و کیوبا، ۲۰۱۸: ۶۸).

یافته‌های مطالعات «کومارسوامی»^۶ (۲۰۱۹) نشان داد که توسعه‌ی مشارکت دانشجویان باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی و کاهش مزبتدی میان ذی‌نفعان داخلی شده و علاوه بر یادگیری نقش‌پذیری، پیشرفت تحصیلی، توسعه‌ی اجتماعی و موفقیت‌های شغلی آن‌ها را نیز تحت تأثیر مثبت قرار می‌دهد (کومارسوامی، ۲۰۱۹: ۳۷۵). «علوی شاد» (۱۳۹۹) در مطالعه‌ی نقش دمکراتیزه- سازی نظام مدیریت دانشگاهی برای آموزش عالی باکیفیت نتیجه می‌گیرد مشارکت‌پذیری نظام‌های

^۱ Alexander and Manolchev

^۲ Harrison

^۳ Tamrat

^۴ Zhiqiang and Ruizhong

^۵ Kourba

^۶ Kumaraswamy

مدیریت دانشگاهی علاوه بر کاهش ریسک تصمیم‌گیری، تسهیل در اجرای تصمیمات، کاهش هزینه‌ی مبادله باعث ارتقای بهره‌وری فرآیندهای عملکردی دانشگاه شده و از نظر روان‌شناسنخی به تقویت خودباری و اعتمادبه نفس دانشجویان منجر می‌گردد (علوی شاد، ۱۳۹۰: ۲۰). «میوری»^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به تأثیر مشارکت دانشجویان اشاره می‌کند و تأکید دارد، دانشجویان که در فعالیت‌های دانشگاهی درگیر هستند علاوه بر عملکرد تحصیلی بهتر، تعهد عاطفی و توانمندی روان‌شناسنخی بالاتری نسبت به دیگر دانشجویان دارند (میوری، ۲۰۱۸: ۷). «صالحی و همکاران» (۱۳۹۲) مشارکت به پرورش خلاقیت دانشجویان کمک شایانی می‌نماید (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). «پلانز»^۲ و همکاران (۲۰۱۱) بر این نکته تأکید دارند که برنامه‌های پیشبردی و ترویجی جهت ترغیب نمایندگان دانشجویان به منظور حضور حضور فعال‌تر و نقش‌پذیری بیشتر در جلسات تصمیم‌گیری دانشگاه مورد توجه قرار گیرد (پلانز، ۲۰۱۱: ۵۷۹). «مرسر»^۳ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ی خود بیان نموده، علی‌رغم قدرت عددی دانشجویان به عنوان یک ذی‌نفع مهم در جامعه‌ی دانشگاهی، فضای مشارکتی لازم به آن‌ها داده نشده است (مرسر، ۲۰۱۸: ۱۵). «بین کا»^۴ (۲۰۱۴) در تحقیقی در خصوص مشارکت دانشجویان در مدیریت دانشگاه‌ها نشان داد مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری باعث احساس خودهدایی^۵ آن‌ها شده است (بین کا، ۲۰۱۴: ۱۲۷).

چارچوب مفهومی پژوهش

مبانی نظری این تحقیق در سطح خرد مبتنی بر نظریه‌های مرتبط با عوامل «انسانی» و در سطح کلان مرتبط با عوامل «ساختاری» می‌باشد. نظریه‌هایی مورد استناد در هر دو سطح به دلیل توانایی، درهم‌تثیدگی و حمایت از یکدیگر به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

در سطح خرد، در چارچوب مبتنی بر عوامل «انسانی» در نظریه‌هایی که به عامل «شناسنخی» توجه می‌نمایند، فرض بر این است که «مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی» به عنوان یک «کنش اجتماعی» تحت تأثیر وجود مختلف شخصیتی و فرهنگی آن‌ها می‌باشد. لذا اعتقادات، باورها، جهت‌گیری، اندیشه، تصور، پنداشت و نوع عقیده و نظر آنان بر شکل‌گیری، میزان و نحوه‌ی مشارکت مؤثر می‌باشد و نظریه‌هایی که به عامل «رفتاری» تأکید دارند، فرض بر کسب منافع و

¹ Murray

² Planas and et al.

³ Mercer

⁴ Yinka

⁵ Self-direction

سود و زیان حاصل از «مشارکت» توسط دانشجویان می‌باشد. از این رو بنا بر نظریه‌ی «عمل منطقی- فیشین و آجزن»^۱ (۱۹۶۷) دانشجویان بر اساس نگرش‌های گذشته و نیت‌های رفتاری، عمل می‌نمایند. تصمیم آن‌ها برای مشارکت بر مبنای نتایجی است که انتظار دارند در نتیجه‌ی آن روی دهد و مهم‌ترین عامل قصد دانشجویان است که ترکیبی از نگرش و هنجارهای ذهنی نسبت به مشارکت می‌باشد. بر اساس نظریه‌ی «مبادله‌ی اجتماعی- هومنز»^۲ (۱۹۷۶) صرف‌نظر از داوطلبانه‌بودن مشارکت تا هنگامی که مزایای این مشارکت فراتر از هزینه‌های آن باشد گسترش می‌یابد (ریتزر^۳، ۱۹۹۴: ۴۲۳ و هاگر، ۲۰۱۹: ۱۹). به استناد نظریه‌ی «کنش ارتباطی- هابرمانس»^۴ (۱۹۸۱) مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی نوعی کتش اجتماعی معطوف به حصول تفاهم است؛ لذا دانشجویان در حوزه‌های عملکردی از طریق یک بستر فرنگی پویا، وفاق و همکاری با یکدیگر تعامل نموده تا بدون اجبار و اضطرار بتوانند مسائل مورد علاقه‌ی خود را در کنار منافع و مصالح عمومی دانشگاه حل و فصل نمایند. این امر زمانی امکان‌پذیر است که تضمین‌های لازم برای تعامل، همکاری و ابراز افکار به صورت آزادانه برای آن‌ها فراهم باشد (ستاری، یردانی و فرازی، ۱۳۹۶). همچنین به استناد نظریه‌ی «کنش جمعی- اولسون»^۵ (۱۹۷۱) دانشجویان، به دلیل منافع مشترک با یکدیگر مشارکت می‌کنند؛ چراکه این نوع از مشارکت غیر رقابتی بوده و مشارکت یک دانشجو در حوزه‌های عملکردی دانشگاه، امکان مشارکت را برای سایر دانشجویان کاهش نمی‌دهد و هیچ دانشجویی مستثنی از این مشارکت نیست. بر اساس نظریه‌ی «انتخاب عمومی- بوکانان و تالوک»^۶ (۱۹۶۵) دانشجویان با مشارکت در نظام مدیریت دانشگاهی به طور منطقی «هزینه‌های عدم مشارکت» را مدنظر قرار می‌دهند. همچنین به استناد نظریه‌ی «مشارکتی- ترنر»^۷ (۱۹۸۶) نیز هنگامی که تصمیم‌گیری‌ها در حاکمیت دانشگاهی بدون حضور دانشجویان صورت پذیرد بسیاری از نیازهای واقعی آن‌ها نهفته و مغفول می‌ماند. بنا بر نظریه‌ی «خود تعیین‌کنندگی- رایان و دسی»^۸ (۱۹۸۵) نیز دانشجویان به‌طور طبیعی در جست-

^۱ Fishbein and Ajzen

^۲ Exchange - Homans theory

^۳ Ritzer

^۴ Habermas -Communication Action Theory

^۵ Olson -Collective Action Theory

^۶ Buchanan and Tullock-Public Choice Theory

^۷ Turner Participatory Theory

^۸ Ryan & Deci Self-Determination Theory

وجوی رشد و بهزیستی و تلاش برای رسیدن به سطح بالایی از انگیزه می‌باشد. از این رو مشارکت در نظام مدیریت دانشگاهی تا حدودی به برآورده نیازهای روان‌شناسی، اجتماعی و فرهنگی آنان شامل شایستگی، ارتباط و خودمختاری و در نتیجه ارتقای خودانگیختگی و تجربه‌ی احساس بهزیستی روانی بیشتر خواهد شد. لذا انتظار می‌رود حضور دانشجویان در تصمیم‌گیری-ها، آن‌ها را کنجدکاوتر، خلاق‌تر، مشتاق‌تر و هیجان‌زده‌تر نماید که خود باعث بهبود عملکرد و احساس هدفمندی بیشتر آن‌ها می‌شود (کازیچ^۱: ۲۰۱۶؛ رضایی و موحدی، ۱۳۹۶: ۹۲ و کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴: ۴۵).

در سطح کلان، در چارچوب مبتنی بر عوامل «ساختری» زمینه‌های مشارکت را فراهم می‌کند؛ بنا بر نظریه‌ی مردم‌سالاری، مشارکت دانشجویان در نهاد دانشگاه مبتنی بر دو اصل «نظرارت همگانی بر تصمیم‌گیری جمعی» و «داشتن حق برابر در اعمال این نظارت» می‌باشد. بنا بر نظریه‌ی «میجلی^۲» (۱۹۸۶) بر اساس پاسخ حکمرانی دانشگاه به مشارکت، چهار نوع شیوه‌ی مشارکت؛ واقعی، هدایت‌کننده، فرآینده و خدمتمشارکتی شکل می‌گیرد که هریک از آن‌ها دانشجویان را به گونه‌ای خاص به مشارکت وا می‌دارد. بر اساس نظر «هانتینگتون و نلسون» (۲۰۰۰) عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی احتمال مشارکت دانشجویان را در نظام مدیریت دانشگاهی افزایش می‌دهد. در این راستا بنا بر نظریه‌ی «مشارکت-دریسکل^۳» (۲۰۰۲) توسعه‌یافتدگی دانشگاه‌ها می‌تواند مهم‌ترین عامل شکل‌گیری مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی باشد (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶: ۷۰؛ علوی شاد، ۱۳۹۹: ۲۰؛ دریسکل، ۲۰۰۲: ۱۵؛ وارنشتاين، ۱۹۷۹: ۲۱).

ارکان مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی

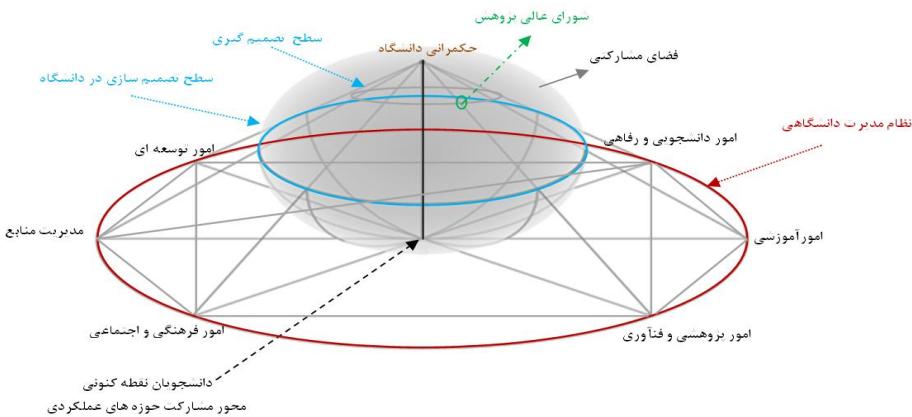
ورود به دانشگاه و زندگی دانشجویی بخش مهمی از تجربه‌ی زیسته‌ی بسیاری از افراد جامعه‌ی معاصر است. نقشی که دانشجویان در دانشگاه ایفا می‌کنند علاوه بر اینکه برای نظام آموزش عالی بسیار مهم است، معرف یک جامعه‌ی کارآمد و پویا نیز می‌باشد. «مشارکت دانشجویان»، به عنوان فرآیندی که طی آن حوزه‌های عملکردی متأثر از حضور و شرکت فعال، آگاهانه و مسؤولانه‌ی دانشجویان است (اعتمادی فرد، ۱۳۹۶: ۹) و نیازمند یک نظام مدیریت دانشگاهی منعطف با

¹ Czech

² Midgley

³ Driskell

ساختاری فراگیر در سطوح مختلف عملیاتی تا عالی دانشگاه می‌باشد (کولینی، ۱۳۹۹: ۱۱). شکل- گیری شوراهای مشارکتی^۱ در حوزه‌های عملکردی و تشکیل کمیته‌های مختلف تخصصی و موضوع محور با مشارکت همه‌ی ذی‌نفعان دانشگاه راهکاری ساده‌ام اثربخش برای خلق فضای فرهنگ مشارکتی در نهاد دانشگاه است.

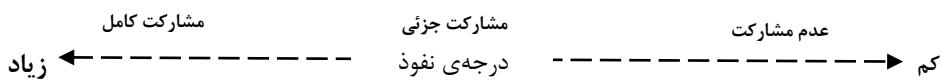


شکل شماره‌ی یک: فضای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی

در این راستا بستره که مشارکت دانشجویان در آن شکل می‌گیرد، تحت تأثیر پارامترها و عوامل بسیاری از جمله انگیزه، موقعیت اجتماعی (پایگاه اجتماعی)، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت، منابع (مالی، اطلاعاتی، فناوری و...) و فرهنگ همکاری می‌باشد (کالکو^۲، ۲۰۱۷: ۹) که مجموع آن‌ها نشان‌دهنده‌ی «درجه‌ی مشارکت دانشجویان» و میزان اعمال نفوذ، تأثیر و نظارت آن‌ها در اتخاذ تصمیمات نظام مدیریت دانشگاهی می‌باشد. مشارکت دانشجویان ممکن است از ارائه‌ی صرف یک نظر یا عقیده شروع و به عضویت در یک گروه کاری ختم شود. مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی را می‌توان به پنج درجه‌ی کلی تقسیم کرد. حالت غیرتعاملی که بیان‌گر وضعیتی است که در فرآیندهای کاری از سبک‌های دستوری یا تشویقی استفاده می‌شود. حالت پیشنهادهایی که مشارکت از طریق سازوکارهایی مانند پیشنهادها و حلقه‌های بهبود کیفیت صورت می‌پذیرد. حالت مشارکت بر مبنای مشورت که از طریق تعامل مشترک با ذی‌نفعان به طور انفرادی یا گروهی انجام می‌گیرد.

¹ Participatory councils

² Collaço



غیرتعاملي - پيشنهاددهي - مشورتى - تعامل دوجانبه - تيم کاري

شكل شماره‌ی دو: نمودار درجه مشارکت دانشجویان

حالت تعامل دوجانبه که دانشجویان از طریق نمایندگان خود اقدام به مشارکت در امور می‌کنند و حالت تیم‌های کاری درجه‌ی کاملی از مشارکت را دارا هستند که دانشجویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی در گروه‌های کوچک و در چارچوب تعیین شده صورت می‌پذیرد. تیم‌های کاری نیمه مستقل و تیم‌های خودگردان، نمونه‌هایی از این نوع مشارکت محسوب می‌شوند (ترو، ۱۳۹۷: ۹۲).

روش‌شناسی پژوهش

از آنجاکه تحقیق حاضر، به دنبال توسعه‌ی نظام مدیریتی در دانشگاه است، از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت «آمیخته اکتشافی»^۱ می‌باشد. مراحل انجام آن در چهار گام صورت پذیرفته است: گام اول: «مرور سیستماتیک» مطالعات و تحقیقات انجام شده به منظور احصاء، مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر در ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مطابق با معیارهای تعریف شده، گام دوم: شناسایی وضعیت موجود مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی به صورت مطالعه‌ی موردنی بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده و تعیین پیشرانها و تسهیل‌کننده‌ها از دیدگاه جامعه‌ی آماری تحقیق از طریق پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته گام سوم: طراحی سازوکار مناسب ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی بر اساس یافته‌های تحقیق می‌باشد.

در بخش کیفی، واحد مطالعه، شامل کلیه‌ی مطالعات انجام شده‌ی داخلی و خارجی مرتبط با مسئله‌ی تحقیق می‌باشد. روش نمونه‌گیری نیز در این بخش هدفمند قضاوتی^۲ (غیراحتمالی به صورت تعمدی و غیرتصادفی) است. برای انتخاب مطالعات انجام شده با اقتباس از چک لیست استاندارد کانسورت^۳ (۲۰۱۸) و دستورالعمل سیمونز^۴ معیارهای ارزیابی مشخص و مطالعات

¹ Exploratory Research

² Purposive sampling

³ Concert

⁴ Simmons Instructions

تکراری و همپوشان حذف گردیدند. تکنیک گردآوری داده‌های آماری در این بخش به صورت کتابخانه‌ای، ابزار آن به صورت فیش‌برداری و روش آن به صورت «مرور سیستماتیک»^۱ (نظاممند یا ساختار یافت) مطالعات انجام شده بوده است. پس از جست‌وجوی منابع اطلاعاتی، تعداد ۴۱ مطالعه (در قالب مقالات علمی و پژوهشی) یافت شد که از این تعداد، پس از غربال‌گری (حذف ۸ مورد با ارزیابی کیفی پایین و حذف ۱۰ مورد تکراری و همپوشان) ۲۳ مطالعه مطابق معیارهای تعریف‌شده به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. از این تعداد روش تحقیق ۱۰ مطالعه (۴۴ درصد) به صورت کیفی، ۷ مطالعه (۳۰ درصد) به صورت کمی و تعداد ۶ مطالعه (۲۶ درصد) به صورت آمیخته بود. جهت تعیین «گروه خبرگان» نمونه‌ای ۱۷ نفره از افراد مطلع و علاقمند به همکاری فعال در زمینه‌ی علمی و اجرایی در حوزه‌ی آموزش عالی به صورت هدفمندار به روش همگون^۲ از میان چهار گروه اعضای هیأت علمی و مدیران اجرایی دانشگاه‌ها، اعضای دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مدیران وزارت علوم تحقیقات و فناوری (با شرط علاقمندی به همکاری) انتخاب گردیدند. در مرور سیستماتیک مطالعات آماری ابتدا تعداد ۵۱ مؤلفه شناسایی، احصا و کدگذاری گردید. از طریق مصاحبه‌ی نیمه‌ساختار یافته^۳ با گروه خبرگان^۴ در نهایت ۴۲ مؤلفه مورد تأیید قرار گرفت. جهت اولویت‌بندی مؤلفه‌های شناسایی شده از جماعت نظر خبرگان به روش دلfü فازی استفاده گردید. برای این منظور فهرست مؤلفه‌های شناسایی شده در سه مرحله در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها درخواست شد تا با استفاده از متغیرهای کلامی میزان درجه‌ی اهمیت هریک از مؤلفه‌ها را مشخص نمایند. نظر خبرگان در قالب متغیرهای کلامی به صورت عدد فازی مثلثی برای هریک از مؤلفه‌های شناسایی شده تعريف گردید؛ به نحوی که مؤلفه Zam با سه عدد حقیقی به صورت عدد فازی (l_j, m_j, u_j) ^۵ مشخص گردید که در آن (l) کران بالایی (بیشینه مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه Zam می‌تواند اختیار کند)، (u) کران پایینی (کمینه مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه Zam می‌تواند اختیار کند) و مقدار (m) کران میانی (محتمل‌ترین مقداری که عدد فازی f در خصوص مؤلفه Zam می‌تواند اختیار کند) می‌باشد. با توجه به تابع عضویت عدد فازی مثلثی:

¹ Systematic Review² Sampling Homogeneous

$$\mu_f(x) = \begin{cases} \frac{x-l}{m-l} & l < x < m \\ \frac{u-x}{u-m} & m < x < u \\ 0 & \text{در غیر اینصورت} \end{cases} \quad (1)$$

و به منظور مقایسه‌پذیری و تشخیص درک مشترک گروه خبرگان از هر مؤلفه، عدد فازی مثالی با استفاده از فرمول مینکووسکی^۱ به اعداد قطعی تبدیل (عمل فازی زدایی^۲) و محاسبه شدن:

$$x = l + \frac{u-m}{4} \quad (2)$$

در مرحله‌ی اول اهمیت ۱۴ مؤلفه مشخص گردید، در مرحله‌ی دوم ضمن اعمال نظرات اصلاحی گروه خبرگان، لیست اصلاحی در اختیار هریک از اعضای قرار گرفت. نتایج اخذ شده تحلیل و میزان اختلاف مرحله‌ی اول و دوم مشخص گردید. سپس مجدداً در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت و سرانجام در این مرحله اولویت مؤلفه‌ها مطابق مورد توافق قرار گرفت جدول شماره یک

جدول شماره‌ی یک- اولویت مؤلفه‌های نهایی مورد توافق گروه خبرگان

میانگین فازی زدایی	میانگین فازی مثالی (l, m, u)	مؤلفه
۰/۷۴	(۰/۷۴ ۰/۹۹ ۱)	۱. میزان تعهد عاطفی و توانمندی روان‌شناسختی در میان دانشجویان
۰/۷۳	(۰/۷۴ ۰/۹۹ ۱)	۲. تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرات
۰/۷۲	(۰/۷۱ ۰/۹۶ ۰/۹۹)	۳. توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه
۰/۷۲	(۰/۷۱ ۰/۹۶ ۰/۹۹)	۴. ارزش‌گذاری تصمیمات جمعی در مقابل با تصمیمات فردی
۰/۷۲	(۰/۷۲ ۰/۹۷ ۰/۹۹)	۵. مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حسن مسؤولیت‌پذیری دانشجویان
۰/۷۱	(۰/۶۹ ۰/۹۴ ۱)	۶. ارزش‌های اعتقادی و باورهای دینی در همکاری و مشورت در میان دانشجویان
۰/۷۱	(۰/۷۱ ۰/۹۶ ۰/۹۹)	۷. استقرار نظام‌های مشارکتی (نظام پیشنهادها، ایده‌پردازی و...)
۰/۷۱	(۰/۷۱ ۰/۹۶ ۰/۹۹)	۸. حمایت از فعالیت‌های تعاملی، گروهی و تشکیلاتی
۰/۷۰	(۰/۶۹ ۰/۹۴ ۰/۹۹)	۹. افزایش تحرک و نشاط اجتماعی در دانشگاه
۰/۷۰	(۰/۶۹ ۰/۹۴ ۰/۹۹)	۱۰. اجرای استراتژی‌های توسعه‌ی اجتماعی در دانشگاه
۰/۷۰	(۰/۶۹ ۰/۹۴ ۰/۹۹)	۱۱. افزایش سطح اتفاق‌گیرایی در میان دانشجویان
۰/۷۰	(۰/۶۹ ۰/۹۳ ۰/۹۷)	۱۲. توزیع مناسب قدرت و ارتقای سازوکارهای مشارکتی

¹ Minkowski

² Defuzzification

۰/۷۰	() ۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹)	۱۳. ترویج فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی	مؤلفه
میانگین فازی رذایی	میانگین فازی مثلثی <i>d,m,u,</i>)					
۰/۷۰	() ۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۹)	۱۴. کیفیت برگزاری انتخابات تشکل‌ها، شوراهای و انجمن‌های دانش‌جویی	
۰/۷۰	() ۰/۶۹	۰/۹۴	۰/۹۷)	۱۵. تقویت هنچارهای مشارکت‌جویی دانش‌جویان در دانشگاه	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۱۶. هویت‌بخشی به فعالیت‌های داوطلبانه‌ی دانش‌جویان	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۱)	۱۷. نگرش و پنداشت اثربخشی دانش‌جویان در نظام مدیریت دانشگاهی	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۱۸. اعتقاد ریس دانشگاه به افزایش اثربخشی، کیفیت و مشروعتی تصمیمات	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۱۹. تقویت انسجام فرهنگی دانش‌جویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی دانشگاه	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۲۰. سودمندی ادراک شده دانش‌جویان به شرکت تصمیم‌گیری مشارکتی	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۲۱. سطح توسعه‌یافته‌گی گفمان‌های دانش‌جویی در کلاس جهانی	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۹)	۲۲. آشنایی دانش‌جویان با وظایف، مسؤولیت‌ها و جایگاه‌های مدیریتی	
۰/۶۹	() ۰/۶۸	۰/۹۳	۰/۹۷)	۲۳. درک و بینش نسبت به تفکر توسعه‌ای و توسعه‌ی مشارکتی	
۰/۶۸	() ۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۹۶)	۲۴. تقویت نگرش اعتماد به کفایت آگاهی‌های دانش‌جویان	
۰/۶۸	() ۰/۶۸	۰/۹۱	۰/۹۴)	۲۵. توسعه‌ی منافع و حفظ جایگاه، نفوذ و منزلت اجتماعی دیگر ذی‌نفعان دانشگاه	
۰/۶۸	() ۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۶. پذیرش مشارکت به عنوان ارزش و سرمایه‌ی فرهنگی در دانشگاه	
۰/۶۸	() ۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۷. وجود نمادهای همبسته فرهنگی - اجتماعی در گرایش به همکاری‌های جمعی	
۰/۶۸	() ۰/۶۶	۰/۹۱	۱)	۲۸. تکریم شخصیت دانش‌جویان فعال در تعمیم فرهنگ مردم‌سالاری	
۰/۶۷	() ۰/۶۳	۰/۸۷	۰/۹۳)	۲۹. پویایی، چاپکی و انعطاف‌پذیری ساختار دانشگاه	
۰/۶۷	() ۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۰. حمایت از روحیه‌ی رقابت‌طلبی، همدلی و سازگاری اجتماعی در دانشگاه	
۰/۶۷	() ۰/۶۶	۰/۹۱	۰/۹۶)	۳۱. پیشگیری از تعارض منافع ذی‌نفعان و انتلاف مطلوبیت‌ها و منافع	
۰/۶۷	() ۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۲. تشویق یادگیری مهارت‌های کار تیمی، تفکر جمعی و مطالبه‌گری	
۰/۶۷	() ۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۳. بهره‌گیری از تجربیات و دانش صریح دانش‌جویان در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی	
۰/۶۷	() ۰/۶۵	۰/۹۰	۰/۹۹)	۳۴. آزادی علمی و فضای آزاد‌اندیشی و اظهار نظر در دانشگاه	
۰/۶۷	() ۰/۶۵	۰/۹۰	۱)	۳۵. اخلاق‌مداری و گسترش اخلاق حرفا‌ی در فرآیندهای دانشگاه	
۰/۶۶	() ۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۱)	۳۶. تصمیم‌گیری اقتصادی متناسب با تغییر و تحولات محیطی	
۰/۶۶	() ۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۹۹)	۳۷. آشنایی دانش‌جویان با توانمندی‌ها، امکانات و فرآیندهای اداره‌ی دانشگاه‌ها	
۰/۶۶	() ۰/۶۳	۰/۸۸	۰/۹۹)	۳۸. عدم جهت‌گیری ارزشی به فردگرایی و تقدیرگرایی در میان دانش‌جویان	
۰/۶۵	() ۰/۶۲	۰/۸۵	۱)	۳۹. تبی و ارزش‌گذاری سوابق فعالیت‌های مشارکتی دانش‌جویان در امور مدیریتی	
۰/۶۵	() ۰/۶۲	۰/۸۷	۰/۹۲)	۴۰. تیم سازی و طراحی شبکه‌های فعالیت‌های گروهی در دانشگاه	
۰/۶۴	() ۰/۶۱	۰/۸۵	۰/۹۹)	۴۱. برانگیختگی و تعمیق تفکر انتقادی و هوشیارانه و هدف‌دار در میان دانش‌جویان	
۰/۶۳	() ۰/۶۰	۰/۸۴	۰/۹۹)	۴۲. برگزاری مسابقات و برنامه‌های همکاری‌های جمعی	

با توجه به ماهیت و اولویت مؤلفه‌ها، آن‌ها در بُعد دسته‌بندی گردیدند(جدول شماره ۱ دو). در بخش کمی به منظور شناسایی وضعیت موجود، روش تحقیق، توصیفی- پیمایشی انتخاب گردید. جامعه‌ی آماری در این بخش شامل ذی نفعان داخلی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات (اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان) می‌باشد. بنا بر اطلاعات اخذشده از معاونت آموزشی دانشگاه، جامعه‌ی آماری در این واحد دانشگاهی در نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به صورت جدول شماره ۱ سه می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از روش طبقه‌ای نسبی استفاده شد، با توجه به ساخت ناهمگن و نامتجانس جامعه‌ی آماری از هر طبقه یک نمونه‌ی تصادفی به نسبت تعداد افراد جامعه با استفاده از جدول مورگان انتخاب گردید.

جدول شماره ۱ دو- ابعاد ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی

تقویت هنجره‌های مشارکت‌جویی دانشجویان در دانشگاه	تقویت انسجام فرهنگی میان دانشجویان با دیگر ذی‌نفعان داخلی دانشگاه	اجرای استراتژی‌های توسعه‌ی اجتماعی در دانشگاه	اعتقاد رئیس دانشگاه به افزایش اثربخشی، کیفیت و مشروعيت تصمیمات	توزیع مناسب قدرت و ارتقای سازوکارهای مشارکتی	سودمندی ادراک شده دانشجویان به شرکت تصمیم‌گیری مشارکتی	آشنایی دانشجویان با وظایف، مسؤولیت‌ها و جایگاه‌های مدیریتی	ارزش‌های اعتقادی و باورهای دینی در همکاری و مشورت در میان دانشجویان	پویایی، چابکی و انعطاف‌پذیری ساختار دانشگاه	آزادی علمی و فضای آزاداندیشی و اظهار نظر در دانشگاه	استقرار نظام‌های مشارکتی (نظام پیشنهادها، ایده‌پردازی و..)	توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه	-
--	---	---	--	--	--	--	---	---	---	--	--	---

<p>ترویج فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی تقویت نگرش اعتماد به کفایت آگاهی‌های دانشجویان توسعه منافع و حفظ جایگاه، نفوذ و منزلت اجتماعی دیگر ذی نفعان در دانشگاه حمایت از روحیه‌ی رقابت‌طلبی، هم‌دلی و سازگاری اجتماعی در دانشگاه بهره‌گیری از تجربیات و دانش صریح دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حس مسؤولیت‌پذیری دانشجویان برانگیختگی و تعمیق تفکر انتقادی و هوشیارانه و هدفدار در میان دانشجویان نگرش و پنداشت اثربخشی دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی میزان تعهد عاطفی و توانمندی روان‌شناسنخی در میان دانشجویان درک و بینش نسبت به تفکر توسعه‌ای و توسعه‌ی مشارکتی افزایش سطح اقناع‌گرایی در میان دانشجویان تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرت هویت‌بخشی به فعالیت‌های داوطلبانه دانشجویان</p>	گروهی (علاء و گروهی)
<p>کیفیت برگزاری انتخابات تشکل‌ها، شوراهای و انجمن‌های دانشجویی در دانشگاه پیشگیری از تعارض منافع ذی نفعان و ائتلاف مطلوبیت‌ها و منافع تکریم شخصیت دانشجویان فعال در تعمیر فرهنگ مردم‌سالاری تصمیم‌گیری اقتضایی متناسب با تغییر و تحولات محیطی نشویق یادگیری مهارت‌های کار تیمی، تفکر جمیعی و مطالبه‌گری تیم‌سازی و طراحی شبکه‌های فعالیت‌های گروهی دانشجویان در دانشگاه حمایت از فعالیت‌های تعاملی، گروهی و تشکیلاتی آشنایی دانشجویان با توانمندی‌ها، امکانات و فرآیندهای اداره‌ی امور دانشگاه‌ها</p>	ردیفه (ردیفه و آداء)
<p>افزایش تحرک و نشاط اجتماعی در دانشگاه ارزش‌گذاری تصمیمات جمیعی در مقابل با تصمیمات فردی اخلاق‌مداری و گسترش اخلاق حرفه‌ای در فرآیندهای دانشگاه توسعه‌ی گفتمان‌های دانشجویی در کلاس جهانی برگزاری مسابقات و برنامه‌های همکاری‌های جمیعی ثبت و ارزش‌گذاری سوابق فعالیت‌های مشارکتی دانشجویان عدم جهت‌گیری ارزشی به فردگرایی و تقدیرگرایی در میان دانشجویان وجود نمادهای همیسته فرهنگی - اجتماعی در گرایش به همکاری‌های جمیعی پذیرش مشارکت به عنوان ارزش و سرمایه‌ی فرهنگی در دانشگاه</p>	بعد ازنهی (آینه و رسمی)

در این بخش گردآوری داده‌ها به صورت پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ی محقق- ساخته بوده است. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای

محاسبه‌ی آن واریانس کل آزمون محاسبه گردید که مقدار آن (۰/۸۷۳) می‌باشد. با توجه به مقدار مشاهده شده، پرسشنامه جهت انجام این تحقیق مناسب ارزیابی شد.

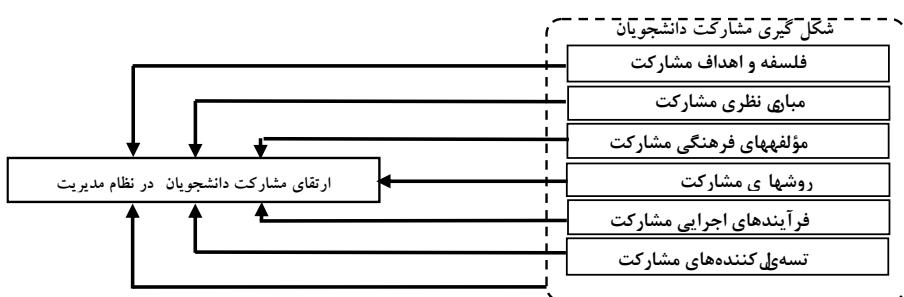
جدول شماره‌ی سه- جامعه‌ی آماری بخش کمی

نمونه آماری	تعداد	جامعه‌ی آماری
دانشجویان ۲۷۶ نفر	۴۰۰۰ نفر	
اعضای هیأت علمی ۵۸ نفر	۸۵۰ نفر	
کارکنان رسمی ۴۷ نفر	۶۸۱ نفر	
مجموع ۳۸۱ نفر	۵۵۳۱ نفر	

همچنین سنجش روایی پرسشنامه به صورت صوری و با اخذ نظر پنج نفر از استادی دانشگاه صورت پذیرفت. برای محاسبه‌ی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. پرسشنامه نیز در سه بخش (ویژگی‌های عمومی، مؤلفه‌های شناسایی شده و مهم‌ترین موانع مشارکت دانشجویان) طراحی و به صورت حضوری در میان نمونه‌ی آماری توزیع و جمع‌آوری شد. پس از گردآوری ۳۸۱ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت (اعضای هیأت علمی ۱۵۳ پرسشنامه، دانشجویان ۳۸۰ پرسشنامه و کارکنان ۲۰۱ پرسشنامه). کلیه اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان داد: ۲۳ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۴۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۹ درصد دکترا بودند. همچنین ۳۳ درصد پاسخ‌دهنده‌گان زن و ۶۷ درصد مرد بوده‌اند. متوسط سن پاسخ‌دهنده‌گان ۴۴/۷ سال می‌باشد که ۴۵ درصد از آنان افراد ۴۴-۳۰ ساله بودند.

مدل مفهومی پژوهش

ساختمار مفهومی در این تحقیق شامل فلسفه و اهداف شکل‌گیری مشارکت، مبانی نظری که حمایت‌کننده و توجیه‌کننده‌ی شکل‌گیری مشارکت، ابعاد و مؤلفه‌های موضوعی تقویت‌کننده و شکل‌دهنده‌ی مشارکت، روش‌های انجام مشارکت، فرآیندهای اجرایی مناسب و مورد نیاز مشارکت و درنهایت تسهیل‌کننده‌های شکل‌گیری مشارکت است که در قالب یک مدل شماتیک بصورت زیر ترسیم گردید.



شکل شماره‌ی سه: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش (در بخش کمی):

مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی بر اساس مؤلفه‌های فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دارای وضعیت مطلوبی است.

از نظر بعد نهادی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد نگرشی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد رفتاری، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

از نظر بعد ارزشی، دانشگاه علوم و تحقیقات متناسب با ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی است.

در ابتدا از طریق آزمون کولموگروف- اسمیرنوف نرمالبودن هریک از متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، همه‌ی متغیرها بیشتر از ۵٪ می‌باشند. لذا توزیع همه‌ی متغیرها در سطح نرمال است.

جدول شماره‌ی چهار- نتایج آزمون کولموگروف- اسمیرنوف

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	ابعاد
نرمال	۰/۰۵۲	بعد نهادی
نرمال	۰/۰۷۵	بعد نگرشی
نرمال	۰/۰۶۳	بعد رفتاری
نرمال	۰/۰۸۰	بعد ارزشی

درنتیجه از آزمون t تک نمونه‌ای برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد.

$$\begin{cases} H_0: \mu = \mu_0 \\ H_1: \mu \neq \mu_0 \end{cases}$$

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های گآوری شده (جدول شماره‌ی پنج) نشان می‌دهد با توجه مقدار سطح معنی‌داری برای تمام فرضیه‌ها بزرگتر از $0/05$ و میانگین‌ها کمتر از عدد 3 می‌باشند؛ لذا فرض برابری واریانس‌ها یعنی فرض H_0 با در تمام فرضیه‌ها پذیرفته شد. درنتیجه با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که از نظر جامعه‌ی آماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات وضعیت مطلوبی در مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر مؤلفه‌های فرهنگی ندارد.

جدول شماره‌ی پنج- نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	درجه‌ی آزادی	میانگین	آماره t تک نمونه‌ای	انحراف معیار	سطح معنی‌داری
فرضیه‌ی اول	۳۸۰	۲/۷۴۰	۴۸/۹۴۵	۳/۲۴۶	۰/۷۳۹
فرضیه‌ی دوم	۳۸۰	۲/۸۹۴	۳۰/۲۲	۵/۴۰۲	۰/۶۰۰
فرضیه‌ی سوم	۳۸۰	۲/۸۰۲	۱۹/۵۲۷	۷/۳۲۰	۰/۵۵۶
فرضیه‌ی چهارم	۳۸۰	۲/۰۱۲	۴۲/۱۹۵	۵/۸۴۲	۰/۶۵۵

همچنین میانگین نظری جامعه‌ی آماری حاکی از آن است که به ترتیب ابعاد نگرشی، نهادی، رفتاری و ارزشی بیشترین اهمیت را در ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی دارا می‌باشند (آزمون مجذور کای: $162,577$ ، درجه آزادی 5 و سطح معنی‌داری

$(p < 0.001)$

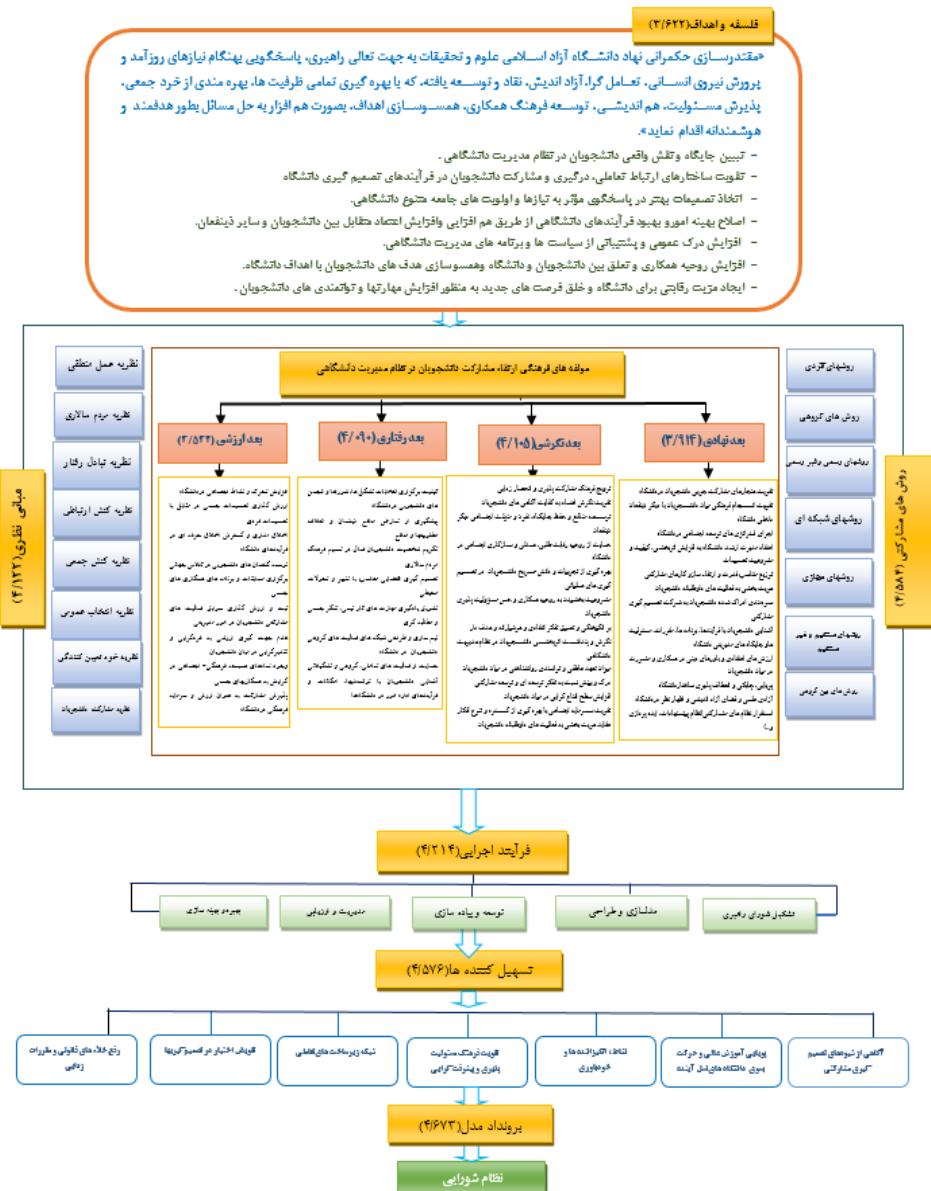
جدول شماره‌ی شش- اهمیت ابعاد از دید پاسخ‌دهندگان

رتبه	میانگین نظری	ابعاد
اول	۵/۸۰	بعد نگرشی
دوم	۴/۹۶	بعد نهادی
سوم	۳/۸۱	بعد رفتاری
چهارم	۳/۴۳	بعد ارزشی

در بخش سوم پرسشنامه از مجموع ۳۶ مانعی که برای ارتقای مشارکت دانشجویان توسط پاسخ-دهندگان مطرح شده بود، تعداد ۱۱ مورد که بیشترین فراوانی را دارا بودند، انتخاب و به صورت مثبت در نظر گرفته شدند. پیشran‌ها شامل: «شفافیت در فرآیندهای حوزه های عملکردی دانشگاه»، «الگوی تربیتی ارتباط محور دانشجویان»، «ایجاد و توسعه ساختارهای نهاد گرا و مشارکت محور در دانشگاه» و «ترویج و توسعه مشورت محوری و تصمیم گیری جمعی در حل مسائل» می باشد و تسهیل کننده‌ها شامل: «مهارت آموزی، آگاهی بخشی و توانمند سازی دانشجویان»، «پویایی و حرکت بسوی دانشگاه های نسل آینده»، «نشاط، پویایی و خودبیاوری در میان دانشجویان»، «اعتماد و انسجام اجتماعی در میان ذینفعان دانشگاه»، «تقویت زیر ساخت های سخت افزاری و نرم افزاری تعاملی»، «تفویض اختیار و تمرکز زدایی تصمیمات در دانشگاه» و «تهیه و تنظیم قوانین و مقررات شویقی و حمایتی» در پایان سازوکار پیشنهادی بر اساس ادبیات موضوع و نظریه‌های بنیادی مشارکت بررسی شده، ابعاد و مؤلفه‌های شناسایی شده، پیشran‌ها و نیز فلسفه و اهداف تدوین شده طراحی گردید (شکل شماره‌ی چهارم) تقویت مؤلفه های شناسایی شده در چار چوب این سازو کار پیشنهادی می تواند به ارتقای نظام مدیریت دانشگاهی در قالب یک «نظام سورایی» منجر گردد. در ادامه درجه‌ی تناسب آن با اهداف مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی با نظر سنجی از گروه خبرگان مورد سنجش و بر اساس میانگین تجربی مورد تأیید قرار گرفت.

جدول شماره‌ی هفت- نتایج تناسب اجزای سازوکار پیشنهادی

اجزا	میانگین نظری	میانگین تجربی	اختلاف میانگین	میزان ^۱	درجه آزادی	سطح معناداری
فلسفه و اهداف	۳	۳/۶۲۲	۰/۶۲۲	۱/۵۳۷	۱۶	۰/۰۰۰
مبانی نظری	۳	۳/۰۵۳	۰/۰۵۳	۰/۱۹۲	۱۶	۰/۰۰۰
روش‌های مشارکت	۳	۳/۸۴۶	۰/۸۴۶	۲/۵۸۴	۱۶	۰/۰۰۱
بعد نهادی	۳	۴/۸۵۳	۱/۸۵۳	۱/۰۵۰	۱۶	۰/۰۰۰
بعد نگرشی	۳	۳/۹۱۴	۰/۹۱۴	۲/۳۸۵	۱۶	۰/۰۰۰
بعد رفتاری	۳	۴/۱۰۵	۱/۱۰۵	۲/۲۲۱	۱۶	۰/۰۰۰
بعد ارزشی	۳	۳/۵۳۲	۰/۵۳۲	۲/۱۱۶	۱۶	۰/۰۰۱
فرآیند اجرایی	۳	۴/۲۲۱	۱/۲۲۱	۲/۲۱۴	۱۶	۰/۰۰۰
تسهیل‌کننده‌ها	۳	۴/۱۳۱	۱/۱۳۱	۱/۵۷۶	۱۶	۰/۰۰۰
برونداد	۳	۴/۲۶۴	۱/۲۶۴	۰/۸۱۳	۱۶	۰/۰۰۰



شکل شماره‌ی چهار: ساز و کار ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی

و تحقیقات نسبت فرآیندهایی مشارکتی دانشجویان (۳۵ فرآیند) به کل فرآیندهای حوزه‌های عملکردی (۲۳۹ فرآیند) تقریباً حدود ۰/۱۴ می‌باشد که در مقایسه با نتایج تحقیقات انجام شده توسط «ریحاننا حسین» (۲۰۱۵) و «بالنس» (۲۰۲۰) بسیار ناچیز است.

- بیش از ۸۰ درصد ذی‌نفعان داخل دانشگاه علاقمند به مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی بوده و ۸۵ درصد آن‌ها کیفیت مشارکت کنونی را ضعیف ارزیابی نموده و ۷۰ درصد آن‌ها نیز بسترها لازم مشارکت دانشجویان را در نظام مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی کافی نمی‌دانند.

- توسعه‌ی مشارکت دانشجویان در دانشگاه باعث افزایش مهارت‌های ارتباطی، شکوفایی استعدادها در فعالیت‌های تیمی و نقش‌پذیری بیشتر می‌گردد که با یافته‌های مطالعات «کومارسوامی» (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

- مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی متأثر از بافت فرهنگی، تجربه‌ی همکاری‌های دانشجویی، سابقه‌ی فعالیت‌های موفق مشارکتی و نگرش و ذهنیت دانشجویان نسبت به نتایج حاصل از مشارکت است این موضوع با نتایج مطالعات «تمارات» (۲۰۱۹)، «ژیکینگ و ریوژانگ» (۲۰۱۹) و «کیوبا» (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

- مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی به عنوان «هم تولیدکنندگان» تصمیمات ممکن است منجر به طولانی‌تر شدن فرآیند تصمیم‌گیری‌ها گردد؛ اما بی‌شک به افزایش کیفیت تصمیم-گیری و سهولت و رضایت از اجرای آن‌ها کمک شایانی خواهد نمود.

- بخش قابل توجهی از موانع مشارکت دانشجویان ناشی از متغیرهای اختلال‌گر درون-دانشگاهی، از قبیل روش‌های سلیقه‌ای، تفسیر متفاوت از قوانین و مقررات، انگاره‌های تربیتی، زمینه‌های نگرشی، عقاید، علایق و گرایش‌های انجام کار در حوزه‌های عملکردی می‌باشد. هرچند نباید اثرگذاری عوامل خارج از کنترل دانشگاه به ویژه عوامل سیاسی را نادیده گرفت.

- مهم‌ترین پیامد ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی دانشگاه علوم و تحقیقات در سطح خرد تقویت روحیه‌ی مشارکت جویی، خودباوری، انحصارزدایی، تحرک-آفرین و نشاط‌بخش و کاهش تعارضات و حوادث ناشی از آن و در سطح کلان نیل به اهداف «دانشگاه فضیلت‌مند و مسؤولیت‌پذیر» می‌باشد. این موضوع تا حدودی با نتایج تحقیق جهانیان (۱۳۸۹) و مطالعات قورچیان و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

- متناسب‌سازی سیاست‌های حوزه‌ی فرهنگی با زیست‌بوم دانشگاه علوم و تحقیقات می‌تواند از جمله محرك‌های نگرشی و رفتارساز باشد. از این رو سازوکارها فرهنگی - ترویجی در نمادسازی و ارزش‌گذاری مشارکت داوطلبانه نقشی کلیدی را در ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی دارد.

- ایجاد فرصت‌هایی برای همکاری با ایجاد کمیته‌های دانشجویی در حوزه‌های عملکردی دانشگاه علوم و تحقیقات با مشارکت دانشجویان یا نمایندگان آن‌ها در این کمیته‌ها فرصت تضارب آرا و دخالت دیدگاه را در تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌آورد که به نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکتی دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاه کمک می‌کند.

- محدودیت‌های انتخابی و عدم انعطاف‌پذیری تصمیمات برای دانشجویان به بیگانگی اجتماعی و مشارکت‌گریزی آنان می‌انجامد. به عبارت دیگر، هر چقدر از سوی نظام اجتماعی دانشگاه حق انتخاب برای دانشجویان کمتر شود به همان میزان بیگانگی اجتماعی بیشتر خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف طراحی سازوکار ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی مبتنی بر توسعه‌ی مؤلفه‌های فرهنگی انجام گرفته است. با توجه به سرعت تغییرات، پیچیدگی محیط و ماهیت نهاد دانشگاه، توسعه‌ی نظام‌های مشارکتی گامی مؤثر در تعالی دانشگاه‌های کشور، در تراز جهانی و نقش‌آفرینی دانشجویان به عنوان شهروند می‌باشد. در این راستا ۴۲ مؤلفه شناسایی، اولویت‌بندی و در ۴ بعد: نهادی (۱۲ مؤلفه)، نگرشی (۱۳ مؤلفه)، رفتاری (۸ مؤلفه) و ارزشی (۹ مؤلفه) دسته‌بندی گردیدند. از دیدگاه جامعه‌ی آماری به ترتیب بعد نهادی، بعد نگرشی، بعد رفتاری و بعد ارزشی دارای بیشترین اهمیت بودند در ادامه پیشran‌ها و تسهیل‌کننده‌های تقویت‌کننده‌ی این مؤلفه‌ها توسط جامعه‌ی آماری مشخص گردیدند.

از میان مؤلفه‌های سازوکار پیشنهادی به ترتیب مؤلفه‌های «میزان تعهد عاطفی و توانمندی روان-شناسختی در میان دانشجویان، تقویت سرمایه‌ی اجتماعی با بهره‌گیری از گستره و تنوع افکار عقاید و نظرت، توسعه و تقویت فرآیندهای بهره‌گیری از خرد جمعی در دانشگاه، ارزش‌گذاری تصمیمات جمعی در مقابل با تصمیمات فردی و مشروعیت‌بخشیدن به روحیه‌ی همکاری و حسن مسؤولیت‌پذیری دانشجویان دارای بالاترین اولویت می‌باشند. درنهایت از دیدگاه جامعه‌ی آماری تحقیق مشخص گردید وضعیت مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی در دانشگاه آزاد

اسلامی علوم و تحقیقات بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی در حد مطلوبی نمی‌باشد و عدم آشنایی دانشجویان با شیوه‌های تصمیم‌گیری مشارکتی، انجام‌آموزش عالی در دانشگاه‌های نسل اول، بی‌انگیزگی، عدم خودبازرگانی و ابهام در آینده، تمایل به همنوایی و همزنگ جماعت شدن، ضعف فرهنگ مسؤولیت‌پذیری و پیشرفت‌گرایی، عملکرد محدود اتحادیه‌ها، کانون‌ها، تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی، فراهم‌نمودن سازوکارها و زیرساخت‌ها، میل به تمرکز و توزیع نامتوازن قدرت در تصمیم‌گیری‌ها، نبود قوانین و مقررات تسهیل‌کننده و حمایتی و عدم شفافیت در فرآیندهای حوزه‌های عملکردی دانشگاه از علل عدمهای آن می‌باشد.

پیشنهادهای پژوهش

- در کار ساختارهای مشارکتی کونی سایر نظام‌های مشارکتی مانند نظام مدیریت مشارکتی، نظام تصمیم‌ساز جمعی، نظام تسهیم و گردش اطلاعات، نظام مدیریت دانش، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ایجاد و توسعه پیدا نماید.
- استقلال دانشگاهی به عنوان یک مطالبه و مؤلفه‌ای کلیدی در ارتقای مشارکت دانشجویان از سوی سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور مورد توجه جدی قرار گیرد.
- معماری ساختار مشارکت محور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در قالب یک نظام شورایی با تشکیل شورای‌های عالی و با عضویت نمایندگان دانشجویان و همجنین شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی مشورتی دانشجویی ذیل این شوراهای طراحی گردد.
- فعالیت‌های مشارکتی دانشجویان به عنوان یک شاخص کلیدی و هم‌افزا در برنامه‌های ارزیابی عملکرد نظام مدیریت دانشگاهی، گنجانده و هرساله مورد ارزیابی قرار گیرد.
- خودسازماندهی دانشجویان در اتحادیه‌ها، کانون‌ها، تیم‌ها، تشکل‌ها و کمیته‌ها به منظور شراکت در پذیرش مسؤولیت‌ها و حمایت از اجرای تصمیمات در قالب برنامه‌های فرهنگی (گروه‌های هنری، اردوهای جمعی، ورزش‌های گروهی و...)، برنامه‌های آموزشی (گروه‌های یادگیرنده، آموزش‌های داوطلبانه، مدیریت کلاس‌ها و...)، برنامه‌های پژوهشی (انجمن‌های علمی، تیم‌های تحقیقاتی و...) و برنامه‌های رفاهی (شوراهای رفاهی، خوابگاه، سلف و...) تقویت گردد.
- مؤلفه‌های ارزشی نظام مدیریت دانشگاهی در دانشگاه‌های پیش‌گام بومی‌سازی و مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

- سیاست‌های حمایتی و توانمندساز از دانشجویان مشارکت‌پذیر از سوی حوزه‌های عملکردی مورد تأکید قرار گیرد.
- کارگاه‌های آموزشی، نشستهای هماندیشی، سمینارهای علمی مرتبط با موضوع مشارکت برای ذینفعان داخلی برنامه‌ریزی و اجرا گردد.
- مشارکت و همکاری دانشجویان در تشکل‌های دانشجویی در سطح دانشگاه به عنوان یک ارزش اجتماعی ترویج و مورد تأکید قرار گیرند.
- توسعه‌ی فرهنگ مشارکت‌پذیری و انحصارزدایی جهت پرورش دانشجویان به عنوان شهروند مسؤول، خلاق، پرسش‌گر به عنوان یکی از ماموریت‌های کلان دانشگاه در نظر گرفته شود.
- تیم‌سازی در تمامی سطوح عملکردی دانشگاه به عنوان یک هدف غایبی مورد تأکید و حمایت قرار گیرد.
- آموزش حقوق اجتماعی دانشجویان به منظور آگاهی از مسؤولیت‌ها و اختیارات در اولویت برنامه‌های توجیهی ورود به دانشگاه قرار گیرد.
- به منظور شبکه‌سازی و بهره‌گیری حداثتری از مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی تشکل‌های فارغ‌التحصیلی تشکیل و مورد حمایت قرار گیرند.
- زمینه‌های ایجاد گفتمان و فعالیت مشارکتی در میان دانشجویان تقویت و حمایت شود.
- علاوه بر تقویت روحیه‌ی مشارکت‌جویی، برنامه‌های کاهش تقابل ارزشی، بیگانگی اجتماعی و روحیه‌ی فایده‌گرایانه ابهام نقش و تعارض نقش در میان دانشجویان تدوین و اجرا گردد.

منابع

۱. اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۶) *دانشگاه از منظر دانشجویان*، چاپ اول، تهران: پژوهشکدهی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲. آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۲) «بوروکراسی دانشگاهی: مسائل و چالش‌ها»، *فصلنامهی انجمن آموزش عالی ایران*، سال ۵، شماره‌ی ۴: ۲۲-۱.
۳. جاودانی، حمید (۱۳۹۳) «طراحی الگوی توسعه‌ی سازمانی در نظام مدیریت آموزش عالی ایران»، *فصلنامهی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۴: ۵-۷۴.
۴. حقیزاده، محمدحسین (۱۳۹۶) *سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت زمینه‌ساز توسعه‌ی پایدار*، تهران: مینوفر.
۵. درویشی، لیلا و پریوش جعفری (۱۳۹۸) *شهروندی در بستر نظام تربیتی*، تهران: سراچه دل.
۶. رضایی، محمدمجود و مهدی موحدی بک نظر (۱۳۹۶) «تبیین و ارزیابی نظریه‌ی انتخاب عمومی»، *اقتصاد تطبیقی*، سال چهارم، شماره‌ی ۱(پیاپی ۷): ۱۱۴-۸۹.
۷. ستاری، علی؛ یردانی، فاطمه و عباس فرازی (۱۳۹۶) «بررسی نظریه‌ی کنش ارتباطی هابرماس و دلالت‌های آن در آموزش عالی و دانشگاه»، *علوم تربیتی*، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۱: ۱۵۰-۱۲۱.
۸. صالحی، مسلم؛ قلتاش، عباس و حدیثه مرتضایی (۱۳۹۲) «رابطه‌ی خلاقیت و مشارکت با توانمندسازی اعضای هیئت علمی»، *فصلنامهی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال چهارم، شماره‌ی ۳(پیاپی ۱۵): ۱۱۶-۹۹.
۹. علوی شاد، عباس (۱۴۰۱) «شناسایی و ارزیابی مولفه‌های اثرگذار بر بازده مطلوب سرمایه-گذاری در تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی ایران»، *فصلنامهی چشم‌انداز مدیریت بازرگانی*، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۵۱: ۱۳-۲۴.
۱۰. کشتکار، مهران و حمیدرضا حاتمی (۱۳۹۴) «الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته‌ی مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام»، *فصلنامهی مطالعات راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره‌ی ۶۹: ۳۹-۶۷.

11. Ajzen, I.(1985) «From intentions to actions: A theory of planned behavior». In **Action-control: From cognition to behavior** (11–39). Edited by J. Kuhl and J. Beckman, Heidelberg, Germany: Springer
12. Alexander, A. and Manolchev, C. (2020) «The future of university or universities of the future: a paradox for uncertain times», **International Journal of Educational Management**, Vol. 34 No. 7, pp. 1143-1153.
13. Blanc, David Le. (2020) «**E-participation: a quick overview of recent qualitative trends**», United Nations, Department of Economic and Social Affairs.
14. Bowden, Jana Lay-Hwa and Tickle Leonie and Naumann Kay. (2019) «The four pillars of tertiary student engagement and success: a holistic measurement approach», **Studies in Higher Education**, Volume 45, Issue 9.PP.1-18.
15. Colini, Stephen (2020) **What is the meaning and purpose of the university ?**, Translators: Arya and Behiraei, first edition, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
16. Croucher, Gwilym and Lacy, William B. (2020) «Perspectives of Australian higher education leadership: convergent or divergent views and implications for the future? » **Journal of Higher Education Policy and Management** Volume 42, Issue 4, pp.516-529.
17. Hagger, M. S. (2019) **the reasoned action approach and the theories of reasoned action and planned behavior**. In D. S. Dunn (Ed.), Oxford Bibliographies in Psychology. New York, NY: Oxford University Press.
18. Harrison, Neil. (2020) «Patterns of participation in higher education for care-experienced students in England: why has there not been more progress? », **Studies in Higher Education**, Volume 45, Issue 9.PP.1986-2000.
19. Huntington, Samuel P. and Nelson, Joan M. (1978) «Political Participation in Developing Countries», **American Political Science Review**, Volume 72, Issue 2, pp.735-736.
20. Kumaraswamy, S. (2019) «Promotion of Students Participation and Academic Achievement in Large Classes: An Action Research Report», **International Journal of Instruction**, Vol.12, No.2, pp.370-382.
21. Lozano, Jon. (2019) **Bridging the divide: exploring the connections between student governments and higher education governing boards**, Studies in Higher Education, 45: 1878-1891.
22. Mercer-Mapstone, Lucy Diana, Marquis, Elizabeth, McConnell, Catherine. (2018) «The Partnership Identity' in Higher Education: Moving From 'Us' and 'Them' to 'We' in Student-Staff Partnership», **the Canadian Journal of Higher Education**, Vol 3, No 1, PP.12-29.
23. Miller, W. and Gunnels, K. (2020) «Engagement in Higher Education: Building Civil Society through Campus Activism», **Innovations in Higher Education Teaching and Learning**, Vol. 21, Emerald Publishing Limited, pp. 163-179.

24. Murray, Neil. (2018) «Understanding Student Participation in the Internationalized University: Some Issues, Challenges, and Strategies», **Education Sciences**, 8(3), pp.1-10.
25. Planas, A., Solaer, P., Fullana, J., Pallisera, M. & Vila, M. (2013) «Student participation in university governance: the opinions of professors and students». **Studies in Higher Education Journal**, Vol. 38, No. 4, PP. 571-583.
26. Quick, Mark. (2020) **University and Government - Nationalization**, Translators: Arya and Behiraei, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
27. Rehana Hossain, Fatema. (2015) «Student participation in university governance: a qualitative study», McGill University Faculty of Education, A Thesis submitted degree of Master of Art in Education.
28. Tamrat, Wondwosen. (2019) «The exigencies of student participation in university governance: Lip services and bottlenecks», **Journal Quality in Higher Education**: Vol. 26, No 2, PP. 25–47.
29. True, Martin. (2019) **Higher Education in the Leading World**, Translators: Arya and Behiraei, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications.
30. Yinka, Ibijola Elizabeth. (2014) «A Comparative Study of Students' Participation in the Management of Nigerian Universities», **Journal of Education and Training**, Vol. 1, No. 2, PP.121-131.
31. Zhiqiang, Wang & Zhang, Ruizhong. (2019) «A Study on the Mechanisms of American Students Participation in University Governance Advances in Economics», **Business and Management Research**, Vol. 82, PP.121-125.